

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

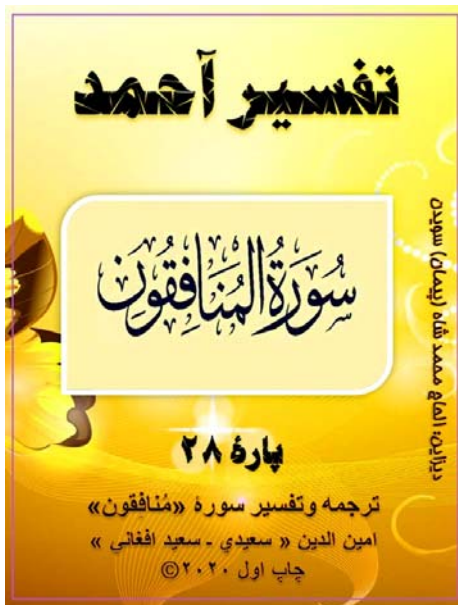
Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین "سعیدی- سعید افغانی"
۰۶ نومبر ۲۰۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة مُنَافِقُونَ - (۴)



سورة مُنَافِقُونَ در مدینه نازل شده و دارای یازده آیت و دو رکوع می باشد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال شما و فرزندان شما را از یاد الله غافل نگرداند و هر کس چنین کند آنان خود زیانکارا نند (۹) «لا تُلْهِكُمْ»: شما را سرگرم و غافل نکند (ملاحظه شود سورة: نور، حجر).

«ذِكْرِ اللَّهِ»: یاد الله، عبادت و پرستش او. اطاعت از الله.

برخی از مفسران، مراد از ذکر در این آیه، نماز های پنجگانه و بعضی دیگر حج و زکات و برخی دیگر قرآن مجید را دانسته اند، امام حسن بصری فرموده است که مراد از ذکر در اینجا تمام طاعات و عبادات می باشند، و این قول شامل همه آنها ست. (قرطبی)

قبل از همه باید گفت که لازمه ایمان، برتری دادن یاد الله بر مال و اولاد است، زیرا می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ...» مال و اولاد کم باشد یا زیاد می تواند مانع یاد الله تعالی شود، و در جمله: «فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» توضیح می فرماید که: خسارت واقعی، همانا غفلت از یاد الله است، از دست دادن مال و فرزند، خسارت جزئی است، ولی غفلت از خالق خسارت کلی است.

خلاصه باید به عرض رسانید: اشتغال به وسایل زندگی دنیا تا حدی مجاز است که آنها انسان را از ذکر الله، یعنی طاعت و عبادات غافل نکند، و به جایی نرسد که مبتلا به محبت آنها شده در ادای فرایض و واجبات کوتاهی کند، و یا به حرام و مکروهی آلوده گردد و در حق کسانی چنین باشند، آمده است که: «فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» یعنی آنها در

ضرر و خسران می افتند، زیرا آنان نعمت های بزرگ و همیشگی آخرت را فرو گذاشته و در قبال آن نعمت های دنیا را اختیار نموده اند، که چه خساراتی بالاتر از این است.

خواننده محترم!

با توجه به این که یکی از عوامل نفاق، علاقه زیاد به دنیاست، بنابر همین فهم است که در (آیت ۹ سوره منافقین) به مؤمنان هشدار می دهد که اموال و اولاد، شما را غافل نکنند.

بدر نظر داشت این که عوامل بازدارنده از یاد الله بی نهایت زیاد است ولی آیت مبارکه به مهمترین عامل که اموال و اولاد است توجه و تأکید بیشتر به عمل آورده است. در این آیت مبارکه توجه مؤمن را به این امر مهم و سترگ جلب می نماید.

در این شک نیست که شراب و قمار نیز مانع یاد الله می شود، زیرا قرآن عظیم الشان فرموده است: «يَصَدِّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» همچنان تجارت و داد و ستد نیز می تواند یکی از موانع یاد الله باشد. به همین خاطر است که الله تعالی آن عده کسانی که در امور داد و ستد مشغول اند فرموده است که داد و ستد آنان را از یاد الله غافل نساخته آنان را مورد تمجید و ستایش قرار داده است. «رجال لتلهيهم تجارة و لا بيع عن ذكر الله» همچنان تکاثر و فزون طلبی هم یکی از عوامل بازدارنده است. «الهاكم التكاثر»

آرزوهای طولانی نیز مانع یاد خداست. «يلهم الامل»

رفاه زندگی از عوامل دیگر غفلت است. «متعتهم و آبائهم حتى نسوا الذکر»

البته علاقه به دنیا زمانی به یک عامل خطرناک تبدیل می شود که انسان، دنیا را مقدمه آخرت نبیند و هدفش در تمام کارها، همین دنیا باشد. «فاعرض عن من تولى عن ذكرنا و لم يرد الا الحياة الدنيا» از کسی که از یاد ما اعراض کرده و جز زندگی دنیا اراده ندارد، دوری کن.

روشن است که غفلت از یاد الله، سبب هم نشینی با شیطان شده: «و من يعيش عن ذكر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین» و انسان را به عذاب شدید و فزاینده گرفتار می سازد. «و من يعرض عن ذكر ربه يسلكه عذاباً صعداً»

خواننده محترم!

در جنب برخی از عوامل که در فوق از آن یاد آور شدیم از جمله عوامل است که مانع یاد الله می شود، ولی آیت کریمه بر مال و اولاد زیاد تأکید نموده، یکی از عوامل آن اینست که اموال و اولاد، از جمله قوی ترین عامل غفلت بشمار می روند.

«قرآن عظیم الشان، مال و فرزند را مایه فتنه و آزمایش دانسته: «واعلموا انما اموالکم و اولادکم فتنه» و می فرماید: «و ما اموالکم و لا اولادکم بالتی تقرّبکم عندنا زلفی» مال و فرزند، عامل قرب شما به خداوند نیستند. عوامل غفلت از یاد ذکر الله، شامل همه انواع اذکار می شود، ولی مهمترین و بارز ترین ذکر الله همانا نماز است، که باید مراقب بود رسیدگی به اموال و اولاد انسان را از نماز باز ندارد.

«المال و البنون زينة الحياة الدنيا» شاید دلیل مانع از ذکر الله همین مال و فرزند باشد، که در ظاهر این دو چیزی زیبا برای انسان جلوه می کند، ولی نباید فراموش کرد که همین دو چیزی است که انسان را از یاد الله غافل می سازد.

قرآن، مال و فرزند را مایه فتنه و آزمایش دانسته: «واعلموا انما اموالکم و اولادکم فتنه» و می فرماید: «و ما اموالکم و لا اولادکم بالتی تقرّبکم عندنا زلفی» مال و فرزند، عامل قرب شما به خداوند نیستند. عوامل غفلت از یاد الله است.

در این هیچ جای شکی نیست که انسان با اولاد و فرزندان خویش محبت زیاد می کند ، به تأسف باید گفت که همین محبت گاهی اوقات سبب غفلت از یاد الله تعالی می شود. بعضی از انسان ها به خاطر همین فرزندان دست به هر کاری می زنند و ممکن است از هر راهی حتی راه حرام مخارج و نیازهای فرزندان را تأمین کنند.

یاد الله یعنی پرهیز از گناهان و اطاعت از دستورات الهی. لذا مواظب باشیم که مال دنیا و اهل و عیال ما را از یاد خدا غافل نکنند که دچار خسارت و ضرر بسیار بزرگی می شویم.

وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنُ مِنَ الصَّالِحِينَ
(۱۰)

و از آنچه روزی شما گردانیده ایم انفاق کنید پیش از آن که یکی از شما را مرگ فرا رسد و بگوئید پروردگارا ! چرا مرگ مرا تا مدتی اندک به تأخیر نینداختی تا صدقه می دادم و از صالحان میشدم (۱۰)

قابل تذکر است که هدف از آمدن مرگ در این آیت آثار مرگ است و منظور این که پیش از نمودار شدن آثار مرگ ، در حالت صحت و تندرستی و توانائی خود ، مال خودت را در راه الله انفاق نموده درجات آخرت را دریابید در غیر این صورت و پس از مرگ ، این اموال به درد شما نمی خورد .

در صحیح بخاری و مسلم از حضرت ابو هریره (رض) روایت شده است که شخصی از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید : کدام صدقه بیشتر اجر و ثواب دارد ؟ آن حضرت محمد صلی الله علیه وسلم فرمود: صدقه دروقتی که مردم تندرست و سالم باشد و نسبت به ضرورت آینده خویش احساس خطر کند، که نشاید با صرف مال محتاج گردم، و فرمود: انفاق فی سبیل الله را تا آن زمان به تأخیر نیندازید که روح به حلقوم برسد ، و به سكرات رسیده بگوئید ، این قدر به فلان کس بدهید و این قدر به فلان جا صرف کنید.

حضرت ابن عباس در تفسیر آیت: «فَيَقُولُ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ» می فرماید : کسی که به ذمه او زکات واجب بوده ، آن را ادا نکرد و یا حج واجب بود و آن را بجا نیاورد ، او به هنگام فرا رسیدن مرگ از خدا آرزو می کند که به دنیا برگردد ، یعنی پیش از مرگ به او مهلتی داده شود تا صدقه بدهد و از فرایض سبکدوش گردد.

نباید فراموش کرد که در خواست و تقاضای مهلت و بازگشت به دنیا پذیرفته نمی شود ، نه در آستانه مرگ، طوری که آیت ۱۰۰ سوره مؤمنون و این آیت ۱۰ سوره مبارکه المنافقون بدان دلالت می کند .

طوری که دوزخیان در روز قیامت صدا در می آورند : «رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ» (پروردگارا! ما را از دوزخ بیرون آور ، اگر بار دیگر (به کفر و گناه) بازگشتیم، قطعاً ستمگریم).

وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۱)

و الله هرگز (مرگ) کسی را چون اجالش برسد به تأخیر نمی اندازد. و الله به آنچه می کنید باخبر است. (۱۱)

نباید فراموش کنیم که: مرگ، بی خبر به سراغ انسان می رسد و قابل تأخیر هم نیست ، بناءً علاج واقعه را باید قبل از وقوع آن بعمل آورد «مَنْ قَبِلَ أَنْ يَأْتِيَ» (با فرا رسیدن مرگ راه عمل بسته می شود)

برخی از صفات و خصوصیات منافقان که در قرآن ذکر یافته :

۱- دروغ گویی:

«وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ كَذِبُونَ» (سوره المنافقون: ۱) «خداوند شهادت می دهد که منافقان در گفتار خود دروغگو هستند».

اولین صفتی که الله تعالی در سوره منافقون به منافقین نسبت می دهد، دروغ گفتن است. یعنی در صحبت کردن

چیزهائی را به زبان می‌آورند که خودشان ایمانی و اعتقادی به آن سخنان ندارند و در دل خود می‌دانند که در حال دروغ و فریبکاری هستند.

منافق با دروغگوئی حقایق را به نفع خود پنهان می‌دارد. منافق اگر عهد و پیمانی با کسی ببندد یا قولی بدهد، در قول و پیمان خود دروغگو بوده و پیمان شکن است. در ضمن منافق در قول خود دغل باز و نیرنگ باز نیز می‌باشد.

۲- شرم کردن از مردم و شرم نداشتن از الله:

«يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا» (سوره النساء: ۱۰۸). (ایشان (اعمال زشت خود را) از مردم می‌پوشانند و از الله نمی‌پوشانند، (چگونه از الله می‌پوشانند) در حالی که او با آنهاست؛ وقتی که در شب (در میان خود) طرح ریزی می‌کنند آنچه از سخنهاي که الله نمی‌پسندد و الله به آنچه می‌کنند (با علم خود) احاطه دارد.)

این نشانه بزرگترین و بهترین نشانه است که می‌توان به وسیله آن یک منافق را از ایمانداران واقعی جدا کرد و تشخیص داد. منافقی که در برابر چشم مردم، مرتکب گناه و معاصی نمی‌شود، اما در تنهائی و خفا به آسانی مرتکب گناه می‌شود و خداوند بزرگ را کمترین کس هم به حساب نمی‌آورد تا از وی اندک شرمی داشته باشد. منافق در به دست آوردن خوشنودی مردم زیاد اهتمام دارد، نسبت به رضا و خشنودی پروردگار با عظمت.

۳- تنبلی کردن در عبادات:

«وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى» (سوره النساء: ۱۴۲) (منافقان هنگامی که برای نماز برمی‌خیزند، سست و بی‌حال به نماز می‌ایستند).

منافقین در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم با آن حضرت به نماز می‌ایستادند اما خداوند متعال پیامبر را از این که منافقین با تنبلی و ناراحتی به نماز می‌آیند، آگاه نمود.

۴- ریا - ریاکاری:

«يُرَاءُونَ النَّاسَ» (سوره النساء: ۱۴۲). (بدون شک منافقان ریاکار هستند و درپیش روی مردم خودنمایی می‌کنند و) نمازشان به خاطر مردم است، نه به خاطر خدا).

نباید فراموش کرد که ریا از گناهان کبیره بوده و به شرک نزدیک می‌باشد، چون هدف از عبادت شخص ریاکار، جلب توجه مردم است و این به معنای پرستش مردم بوده و شرک است.

۵- تقلیل در ذکر الله:

«وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (سوره النساء: ۱۴۲) (و منافقان) الله را جز اندکی یاد نمی‌کنند). خداوند نفرمود منافقان به یاد الله نیستند بلکه می‌فرماید آنها کسانی هستند که خدا را یاد می‌کنند اما به کمی و به تنبلی.

۶- خوردن قسم به دروغ:

«اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً» (سوره المجادلة: ۱۶) (منافقین) سوگندهای (دروغین) خود را سپری (برای رهایی از گرفتار آمدن به دست عدالت، و پوشاندن چهره واقعی خویش) می‌گردانند).

۷- شایعه پراکنی:

«لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (سوره الأحزاب: ۶۰). (اگر منافقان و کسانی که در دل‌های شان مریضی است و شایعه پراکنان در مدینه (از کار خود) باز نایستند، یقیناً تو را به (ضد) آن‌ها می‌شورانیم (و بر آن‌ها مسلط می‌گردانیم) سپس جز اندکی در کنار تو در آن (شهر)

(مدینه) نباشند. یکی از نشانه‌های منافقین این است که وقایع و چیزهای کوچک را بزرگ جلوه می‌دهند و با شایعه پراکنی سعی در تضعیف مسلمانان و جامعه اسلامی می‌کنند.

۸- عیب جونی از قضا و قدر الهی:

«الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (سوره آل عمران: ۱۶۸). منافقان کسانی هستند که (خود در خانه) نشستند و (از جنگ کناره گیری کردند و نسبت) به برادران خود گفتند: اگر از ما اطاعت می‌کردند (و حرف ما را می‌شنیدند) کشته نمی‌شدند. بگو: پس مرگ را از خود به دور دارید اگر راست می‌گوئید (که می‌توان با پرهیز و حذر از دست قضا و قدر گریخت).

منافق به قضا و قدر و مشیت الهی راضی نیست و هر اتفاقی در زندگی بیفتد، می‌گوید اگر چنین می‌کردم، چنین می‌شد. اما مؤمنین واقعی در پیشامدهای خیر، شکرگذار و در بلا و مصیبت، آرام و صبورند و در هر حال به رضای الهی رضایت دارند.

۹- بدگونی کردن از انسانهای صالح:

«أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَفُوكُمْ بِأَسِنَّةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» (سوره الأحزاب: ۱۹). در حالی که بر شما بخیلانند، پس چون وقت ترس رسد آنان را می‌بینی که به سوی تو می‌نگرند مانند کسی که از (سختی) مرگ بیهوش شده باشد (و) چشمانش (راست و چپ) می‌چرخد. و چون وقت ترس برود، بر شما با زبانهای تند و تیز زبان درازی می‌کنند (و) بر خیر (غنیمت) بخیلانند. این گروه هرگز ایمان نیاورده‌اند، و الله اعمال ایشان را نابود گردانید. و این کار برای الله آسان است. (

۱۰- بدگمانی و تهمت زدن به انسانهای درستکار:

«وَمَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يُغْلَىٰ وَمَنْ يُغْلَىٰ يَأْتِ بِمَا عَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (سوره آل عمران: ۱۶۱). منافقان پیامبر صلی الله علیه وسلم را متهم کردند که به آنها خیانت خواهد کرد! (در حالی که) «و برای هیچ بیغمبری شایسته نیست که در مال غنیمت خیانت کند (زیرا) هر که در مال غنیمت خیانت کند، در روز قیامت با خیانت خود حاضر می‌شود، باز به هر کس جزای آنچه کرده است، به طور کامل داده می‌شود، و بر آنها ظلم نمی‌شود.»

۱۱- تلاش در جهت شیوع فساد و تباهی به نام اصلاح و نیکویی:

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ، أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ» (سوره البقرة: ۱۱-۱۲). (هنگامی که بدیشان گفته شود: در زمین فساد و تباهی نکنید. گویند: همانا ما اصلاحگر هستیم. هان! ایشان بدون شک فسادکنندگان و تباهی پیشگان اند و لیکن (به سبب غرور و فریب خوردگی خود به فسادشان) پی نمی‌برند).

۱۲- ظاهر و باطن منافق یکی نیست:

«إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» (سوره المنافقون: ۱). (هنگامی که منافقان نزد تو می‌آیند، سوگند می‌خورند و می‌گویند: ما گواهی می‌دهیم که تو حتماً فرستاده خدا هستی! خداوند می‌داند که تو فرستاده خدا می‌باشی ولی خدا گواهی می‌دهد که منافقان در گفته خود دروغگو هستند (چرا که به سخنان خود ایمان ندارند).

۱۳- امر به منکر و نهی از معروف:

«الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ...» (سوره التوبة: ۶۷) (مردان منافق و زنان منافق همه از یک گروه (و یک قماش) هستند. آنان همدیگر را به کار زشت فرا می‌خوانند و از کار خوب باز

می‌دارند).

۱۴ - منافق در امور خیر خسیس و بخیل است:

«وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ» (سوره التوبة: ۶۷) (و دستهایشان را (از بذل و بخشش در راه خیر) می‌بندند). منافق را می‌بینی که برای خودنمایی و تظاهر و طلب شهرت، مهمانی‌ها می‌گیرد و خرج‌های سنگین می‌کند، اما اگر برای کار خیری از او کمک بخواهی، با اکراه و به سختی مبلغ ناچیزی کمک خواهد کرد.

۱۵ - فراموش کردن یاد الله:

«نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (سوره التوبة: ۶۷) (خدا را فراموش کرده‌اند (و از پرستش او روی‌گردان شده‌اند)، خدا هم ایشان را فراموش کرده است (و رحمت خود را از ایشان بریده و هدایت خویش را از آنان دریغ داشته است). بدرستی منافقان، همان اهل فسق (و گردن‌کشان در قبال حق) هستند».

۱۶ - وعده‌های الله و رسول را دروغ می‌داند:

«وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» (سوره الأحزاب: ۱۲) (و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که منافقان و آنان که در دل‌هایشان مریضی (نفاق) وجود دارد، می‌گویند: خدا و پیغمبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده‌اند).

۱۷ - عدم درک حقیقت دین:

«وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ» (سوره المنافقون: ۷) (ولی منافقان (حقایق و واقعیت‌ها) در نمی‌یابند و نمی‌فهمند).

۱۸ - خوشحالی بر مصیبت مسلمانان:

«إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرًا مِنْ قَبْلٍ وَبِتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُوا» (سوره التوبة: ۵۰) (اگر به تو نیکی برسد، آن‌ها را ناراحت می‌کند، و اگر مصیبتی به تو رسد، می‌گویند: ما پیش از این چاره کار خود را اندیشیده‌ایم و شادمانه باز می‌گردند).

۱۹ - چاپلوسی و زبان بازی:

«وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُسْنَدَةٌ يَحْسِبُونَ كُلَّ صِيحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ فَوَقَّاهُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» (سوره المنافقون: ۴) (و اگر (سخن) گویند به سخنان‌شان گوش فرا می‌دهی، گویی آن‌ها چوب‌های تکیه داده به دیوارند، هر بانگی را علیه خود می‌پندارند، آن‌ها دشمن (واقعی) هستند، پس از آنان بر حذر باش! الله آن‌ها را بکشد، چگونه (از حق) منحرف می‌شوند؟!).

۲۰ - مسخره کردن دین خدا و سنت رسول الله:

«يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ نَنْزِلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَخِرْهُمْ قُلِ اسْتَخِرْهُمْ إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجُ مَا تَحْذَرُونَ ، وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ» (سوره التوبة: آیات ۶۴ و ۶۵) (منافقان (با اظهار ترس تمسخر آمیز) از آن می‌ترسند که سوره‌ای درباره آن‌ها نازل شود که از آنچه در دل‌هایشان است آگاه سازد، بگو: مسخره کنید، یقیناً الله آنچه را که از آن می‌ترسید، آشکار می‌سازد. (۶۵) و اگر از آنها بپرسی (چرا مسلمانان را مورد تمسخر قرار می‌دهید؟) البته می‌گویند: ما شوخی و بازی می‌کردیم، بگو: آیا به الله و آیات او و رسولش تمسخر می‌کردید؟)

ادامه دارد